



حسامیتهای تربیت کودک از دید اسلام/ ویژگی های سنین 7 تا 14 سالگی

کودک ارزشهای اخلاقی خود را از محیط کسب می کند و بزرگترها باید کودک را در این امر یاری کنند و نباید رفتاری را که شایسته نمی دانند و نمی خواهند فرزندشان به آن مبادرت ورزند، انجام دهند.

کودک ارزشهای اخلاقی خود را از محیط کسب می کند و بزرگترها باید کودک را در این امر یاری کنند و نباید رفتاری را که شایسته نمی دانند و نمی خواهند فرزندشان به آن مبادرت ورزند، انجام دهند. به گزارش خبرگزاری مهر، هر کودک در هر مرحله ای از رشد اخلاقی که قرار می گیرد تا حدودی ویژگی های اخلاقی مراحل قبل و بعد را نیز داراست و هر کودک در هر مرحله از زندگی خود ویژگی اخلاقی و تربیتی خاصی را دارا می باشد. پیشوایان و بزرگان دین اسلام نیز در احادیث مختلفی ویژگی های اخلاقی و تربیتی مشخصی را برای کودکان در هفت تا چهارده سالگی تعیین فرموده اند.

اطاعت و فرمانبرداری

رسول اکرم (ص) در حدیثی ویژگی کودک را در این دوره "عبد" دانسته که به معنای اطاعت است. در حدیث دیگری حضرت علی(ع) خصوصیت کودک را در این دوره "خادم" عنوان کرده اند. بنابراین می توان چنین گفت که پیشوایان اسلام، کودک را در این دوره سنی مطیع و فرمانبر معرفی می کنند و این خصوصیت برخلاف خصوصیت هفت سال اول "سیادت" است که کودک دارای ویژگی خود مرکزی و سیادت است و پدر و مادر باید بیشتر مطابق خواسته های کودک رفتار کنند. همچنین با خصوصیت نوجوان در هفت سال سوم "وزارت" فرق دارد که باید نوعی مشارکت و تعامل بین خواسته های فرزندان و پدران و مادران به وجود آید.

به عبارت دیگر، کودک در این دوره بیش از هر زمان دیگر آمادگی دارد تا آنچه را پدر و مادر یا سایر بزرگسالان از او توقع و انتظار دارند، انجام دهد و آمادگی فراوانی برای ارضای خواسته های پدر و مادر و سایر بزرگسالان از خود نشان دهد و خود را بیشتر در اختیار آنها قرار می دهد؛ زیرا در این دوره خاصیت نقش پذیری دارد و در جستجوی نقشی است که باید در میان بزرگسالان ایفا کند.

سن تعلیم و تربیت

رسول اکرم(ص) در حدیثی، دوره هفت تا چهارده سالگی را سالهای تادیب و تربیت نامگذاری کرده اند. امام صادق(ع) نیز در حدیثی این دوره را دوره تعلیم نامیده اند. دو خصوصیت روانی و تربیتی کودک در این دوره، یعنی "تربیت پذیری" و "تعلیم پذیری" گویای این است که کودک آمادگی دارد تا به طور مستقیم، اولاً ارزشها و ضد ارزشها به او آموزش داده شود و این مفاهیم برای او به تدریج تبیین گردد. آموزش مستقیم این مفاهیم در دوره قبل چندان کارساز نبود و لازم بود کودک بیشتر غیر مستقیم و تقلیدی تحت این آموزشها قرار گیرد. ولی در این دوره با افزایش رشد سنی، کودک به این مرحله از شناخت رسیده است که بتواند به او مفاهیم اخلاقی و تربیتی را مستقیم آموزش داد.

اینکه حدیث می فرماید دوره مزبور، دوره تادیب است، احتمالاً گواه بر همین است و گرنه از دیدگاه پیشوایان اسلام، همین سنین، سالهای تادیب و تربیت به معنای عام آن است؛ ثانیاً تعلیم کودک به طور رسمی از این سالها می تواند شروع شود زیرا از این سنین به بعد، کودک هم از نظر جسمی و هم از لحاظ روانی آمادگی دارد تا مفاهیم علمی و آموزشی را به طور مستقیم فرا بگیرد.

ویژگی تعلیم و تربیت پذیری کودک در این دوره با توجه به خصوصیت "عبد بودن" و "خادم بودن" کودک معنای بیشتری پیدا می کند، یعنی همان طور که کودک مطیع و فرمانبر است و خود را بیشتر در اختیار پدر و مادر یا سایر بزرگسالان قرار می دهد، آمادگی زیادی نشان می دهد که تحت تعلیم و تربیت آنها قرار بگیرد و آنچه را که از طرف آنها مطرح می شود بپذیرد و در این مورد علاقه بسیاری نیز از خود نشان می دهد. یعنی کودک در این دوره تشنه تعلیم و تربیت است و آنچه را از طرف پدر و مادر و سایر بزرگسالان ارائه می شود، به جان می پذیرد.

کودک ارزشهای اخلاقی خود را از محیط کسب می کند و بزرگترها باید کودک را در این امر یاری کنند و نباید رفتاری را که شایسته نمی دانند و نمی خواهند فرزندشان به آن مبادرت ورزند، انجام دهند. در واقع از مهمترین نکات تربیت اخلاقی کودک این است که پدر و مادر مواظب رفتار خود باشند و گرنه دادن دستورات اخلاقی بدون آنکه والدین به آنها، پایبند باشند، سودی ندارد. اگر پدر و مادر، صادق، درستکار، وقت شناس و ملزم به رعایت رفتارهای پسندیده اخلاقی باشند، کودکان به آسانی چنین رفتار و صفاتی را می پذیرند و به آنها عمل می کنند؛ همچنان که علی(ع) می فرماید؛ پندی که زبان گفتار از آن خاموش و زبان کردار بدان گویا باشد، از هیچ گویی بیرون نمی آید و هیچ نفعی با آن برابری نخواهد کرد

آنچه که در رشد اخلاقی اهمیت دارد، امر و نهی یا تنبیه کودکان برای انجام دادن کارهای نادرست نیست، بلکه اجتناب والدین از

رفتار ناصحیح و غیر معقول و نیز دروغ نگفتن به کودک، او را در معرض یادگیری اعمال صحیح قرار می دهد. تربیت اخلاقی کودک به معنای منع کردن کودک از انجام دادن هر کاری نیست، بلکه بهتر است تا جایی که به ضرر کودک تمام نمی شود آزادیهای او سلب نشود. بنابر این اگر اصول اخلاقی به شیوه ای ملموس و عینی برای کودکان این دوره ارائه شود، آنها قادرند این اصول را همانند بزرگسالان درک کنند و در دوره های بعد نیز آنها را همچنان برای خود حفظ کنند.